

آیا مومن سیاسی است؟

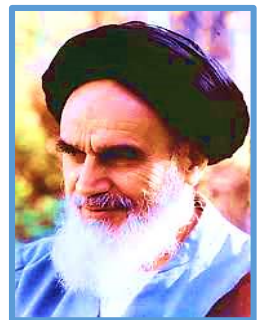
دیانت ماعین سیاست ماست.

تیسین حکومت در قرآن کریم و نبج البلاغه و تحلیلی از زندگی ائمه اطهار

وروش کسب تحلیل سیاسی و روشنگری

– ما ملت گریه‌ی سیاسی هستیم. این مظاهر و شعائر و اموری که در اسلام در آن سفارش شده باید فکر کنید که اینها یک مسئله سطحی نبوده است که می‌خواستند جمع بشوند و گریه کنند، خیر.

ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است.





♦ - البته این که ما میگوییم به کار دانشجویی پردازید، معنایش این نیست که دانشجویان به مسائل سیاسی جامعه نپردازند؛ نه. باید حتماً به مسائل سیاسی جامعه و جهان پردازند. اگر شما سرتان را پایین انداختید، از همه چیز محروم خواهید ماند. باید سرتان بالا باشد؛ باید دید شما وسیع باشد؛ باید افق دید، کاملاً دور و فراگیر باشد. لیکن نباید از مسائل دانشجویی غافل شوید. ۱۵/۰۹/۱۳۷۵ بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای دانشجویی

چند تذکر جدی از رهبر انقلاب ؛ قبل از ورود به بحث

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی ۴/۱۲/۱۳۷۷

♦ - بی‌رودر بایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال می‌کنید خوب است - حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست - بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اول است. فلسفه‌ی حضور شما در آن‌جا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است؛ یعنی ذمه‌اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمه‌اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد. حالا در دنیا ممکن است کسی یقه‌ی کسی را در این‌طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی؟! پس، اول درس خواندن است.

♦ - بلاشک درس خواندن همه‌ی وقت دانشجو را نمی‌گیرد؛ برای او وقتی باقی می‌ماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاستبازی نمی‌گویم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین‌طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی می‌گیرند و نه حرفی می‌زنند! بنده در موضعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق می‌دهند. یک وقت هم دانشجو را در همه‌ی مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروهها و جناحهاست - بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.

الف : آیات قرآن کریم

♦ - مقام معظم رهبری؛ دیدار ۱۴ خرداد ۹۵ حرم امام خمینی؛ شاخص پنجم انقلابی گری.



یک **تقوای فردی** داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ **قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ؛ (۱۳)** خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است.

تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمانهایی که عرض کردیم، آرمانهای اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک محاسبه‌ی عقلانی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پابند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، **اینها همه مطالبات اسلامی است**، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است.

هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما میگوید: **أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (۱۴)** عبودیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن - و اجتناب از طاغوت،

و در آیه‌ی دیگر [میگوید]: **الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ (۱۵)** اینها دستور قرآن است.

- **وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)** الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱) سوره‌ی مبارکه‌ی حج

- مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در بیان رهبر انقلاب، ذیل آیه‌ی ۴۰ و ۴۱ سوره‌ی حج

مقام معظم رهبری : از امر به بزرگترین معروف ها و نهی از بزرگترین منکر ها ، ایجاد حکومت اسلامی است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم ، حفظ عزت و آبروی ملت ایران بزرگترین معروف است اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی ، سلامت محیط اجتماعی ، سلامت محیط خانوادگی ، تکثیر نسل ، تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور ، رونق دادن به اقتصاد و تولید ، همگانی کردن اخلاق اسلامی ، گسترش علم و فناوری ، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی ، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی همه از مصادیق امر به معروف است .

ابتذال اخلاقی منکر است ، کمک به دشمنان اسلام منکر است ، تضعیف نظام اسلامی منکر است ، تضعیف فرهنگ اسلامی منکر است ، تضعیف اقتصاد جامعه و تضعیف علم و فناوری منکر است.

کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن ؛ استفاده از تدبیر آیات قرآن کریم

تحلیلی از زندگی پیامبر اکرم :

مقام معظم رهبری در کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی :

متن کامل آیه ی ۲۵ حدید :

به متن عربی خوب دقت کن ...

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ
اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۲۵

میفرماید : " ارسلنا رسلنا " و بعد میفرماید " کتاب " و بعد

میفرماید " المیزان " و بعد " انزلنا الحديد " ، " فيه بأس شديد "

یعنی برای برقراری میزان و عدل ، آهن فرستادیم که در آن شدت هست یعنی سخت برخورد می کنیم ...
یعنی برخورد هم داریم ...

نکته ی مهم دیگر :

این طور نیست انبیاء بیایند یک گوشه ای بنشینند و مردم را نصیحت اخلاقی بکند و تک تک مردم را اصلاح کند.

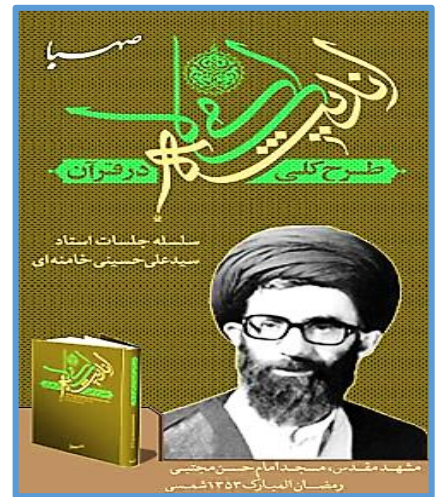


انبیاء می گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم ها را درست کنیم ، شب میشود و عمر می گذرد ؛ جامعه لازم است ، نظامی لازم است ،

از اولی که پیغمبر مبعوث شد هم دوستانش ، هم طرفدارانش و هم دشمنانش می دانستند که پیغمبر حرفش چیست ؟ چه می خواهد بکند؟ دشمنانش می دیدند توحید یعنی کاخ آقایی و ریاست آن ها را ویران کردن .

- البته خودسازی در کنار جامعه سازی هم مهم می باشد .

﴿ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴾
سوره ی مبارکه ی حج آیه ی ۷۸



" لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " حج ۷۸ تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید ، یعنی اینکه مسئول مستقیم شما ، پیامبر است و شما مسئول همه ی بشریت هستید .
" لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ " تا پیامبر بر شما گواه و مراقب و دیده بان باشد و " وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " و شما بر مردمان و بر بشریت و بر خلق ها و توده ها مراقب و نگهبان و دیده بان باشید

حالا که این جور است ، حالا که مسئولیت شما سنگین است ، حالا که شما از طرف پروردگار دارید به ماموریتی دشوار دارید گسیل می شوید ، " فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ " به پا دارید نماز را ، " وَآتُوا الزَّكَاةَ " بدهید زکات را ، " وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ " و متوسل شوید به خدا و آیینی خدایی ، پناهنده باشید به خدا ، متکی باشید به خدا و از هیچ کس دیگر و قدرتی دیگر نترسید . آن وقتی که راهها بر شما بسته شد ، ناامید نشوید " هو مولاکم " خدا سرپرست و نگهبان و هم جبهه ی شماست . (وقتی می گوئیم علی علیه السلام مولى هست یعنی او بر ما ولایت دارد ؛ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿۷۸﴾) ، و مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یاورى (۷۸) سوره ی حج ۱

✓ ﴿ بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان ۱۲/۴/۹۵

قرآن در دو جا اشاره میکند به انحطاط ملت‌هایی که اول ایمان آوردند، بعد در نسل بعد دچار انحطاط شدند. یک جا در سوره‌ی مریم است که می‌فرماید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛ یعنی اولی‌ها مبارزه کردند و ایمان آوردند، منتها بعد -معنای «خَلْف» با سکون لام، با «خَلْف» با فتحه‌ی لام، ضدّ هم است؛ «خَلْف» یعنی بازمانده‌ی بد، «خَلْف» یعنی بازمانده‌ی خوب؛ اینجا می‌گوید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ - بازمانده‌های بدی روی کار آمدند که «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»؛ اولین کارشان این بود که نماز را ضایع کردند؛ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ؛ دنبال شهوات رفتند، دنبال شهوات شخصی رفتند؛ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛ این دو عامل -عامل ضایع کردن نماز و دنباله‌روی از شهوات- این نیروهایی را که باید در مقام جهاد و مبارزه ایستادگی کنند و این ایستادگی قطعاً به پیروزی منتهی خواهد شد، اینها را تضعیف میکند؛ اینها را پوک میکند.

نمی شود به صرف موعظه کردن اکتفا کرد ؛ باید نظام تشکیل داد تا بتوان تعبیر قرآنی "میزان" را اجرا کرد تا بتوان " ليقوم الناس بالقسط " را تحقق داد. (آیه ی ۲۵ سوره ی حدید)

ولی فرض کنید نظام هم تشکیل دادید آیا شیطان ها و گرگ ها ، دزد ها و درنده ها می گذارند این نظام عادلانه باقی بماند ؟ لذا بعد از " ليقوم الناس بالقسط " می فرماید " و انزلنا الحديد " آهن را هم فرستادیم برای چه ؟ برای اینکه از ارزش های اصیل به وسیله ی آهن است که میشود دفاع کرد.

- نقطه ی شروع دعوت انبیاء توحید است و این با بیان عبودیت و نفی طواغیت از طاغوت هایی مانند طاغوت درون خود انسان تا حاکمان طاغوت و ستمگران بیرونی .

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۳۶ سوره ی نحل)

اینکه " وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا " همانا برانگیختیم در هر امتی پیامبری . حرفش چه بود این پیامبر و رسول ؟ حرفش و پیامش این بود که : " أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ " که عبودیت کنید خدا را و دوری بگزینید از طاغوت ؛ این حرف اول پیامبر است ، هنوز از گرد راه نیامده ، حرفش این است : " أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ " گاهی این طاغوت خود تویی (از کفر و شرک تا تنبلی و تن پروری) ، گاهی هم قدرت های خارج از وجود انسانند. گاهی هم نظام های اجتماعی طاغوتی یعنی هر آنچه جلوی عبودیت خداوند و اینکه مردم بنده ی خدا باشند را بگیرد طاغوت است .)

حال برای تحقق جهانی شدن ایمان چه ابزاری لازم است ؟ آیا نظام نیاز نیست ؟

معنای مومن حقیقی یعنی نه تنها خود مومن است بلکه همه را به سمت محبوب خود مومن می کند و همه عالم را توحیدی می کند.

کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن؛ استفاده از تدبیر در زندگی ائمه اطهار

یک تذکر :

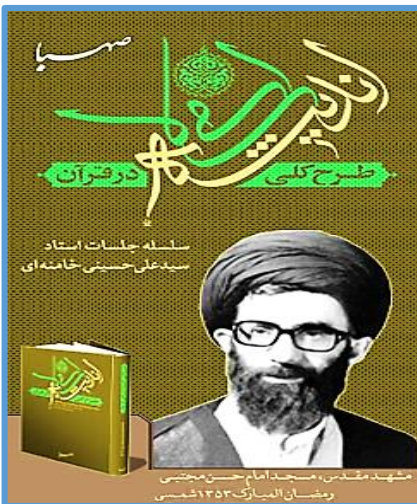
خیلی از حرف‌های عالم درست است ما باید بدانیم در میان درست‌ها ، کدام لازم است ؟
در میان لازم‌ها ، کدام لازم‌تر است ؟ در میان لازم‌ترها کدام فوری است ؟ در میان فوری‌ها کدام فوتی و حیاتی است ؟

از اولی که پیغمبر مبعوث شد هم دوستانش ، هم طرفدارانش و هم دشمنانش می‌دانستند که پیغمبر حرفش چیست ؟ چه می‌خواهد بکند ؟ دشمنانش می‌دیدند توحید یعنی کاخ آقایی و ریاست آن‌ها را ویران کردن .

هدف دوم انبیاء این است که انبیاء می‌گویند برای ساختن انسان باید محیط متناسب و محیط سالم باشد تا بتوان در آن انسان را تربیت کنند. انبیاء نمی‌آیند دانه دانه انسان را تربیت کنند .

انبیاء می‌گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم‌ها را درست کنیم ، شب میشود و عمر می‌گذرد ؛ جامعه لازم است ، نظامی لازم است ، باید در منگنه‌ی یک نظام انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس ، دانه دانه نمی‌شود ، باید کارخانه درست کرد.
مانند درخت است باید در هوای مناسب باشد. باید در زمین مناسب باشد .

✓ - چرا این گزینش و انتخاب را انجام دادیم ؟ برای چه ؟ تا چه شود ؟ تا شما چه کنید و به کجا برسید ؟ " لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ " حج ۷۸ تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید ، یعنی اینکه مسئول مستقیم شما ، پیامبر است و شما مسئول همه‌ی بشریت هستید.



تصور ما از انبیاء تصویری دیگری است ، مردم خیال می کنند که انبیا در یک جامعه ظهور می کنند مثل یک آدم حکیم، فرزانه ، دانشمند ، بزرگواری که کوهی از معلومات دارد ؛ در جامعه یک خانه می گیرد گوشه ای میشیند تا مردم بیایند و گروه گروه از خرمن دانش او استفاده کنند ؛ خیال کننده انبیا آدمی چنین موجودی است .

پیامبر اینجوری ها نیست؛ پیامبر وقتی می آید و در یک اجتماعی مبعوث می شود این دیگر سر از پا نمی شناسد، آدم است که آرام و قرار ندارد یک انسان است که تبدیل شده به یک شعله سوزان جوآله. می بیند ساختمان، ساختمان غلطی است که باید پایه ی غلط آن را نابود کند. جامعه دارای تبعیض، دارای ظلم دارای نابسامانی، دارای نامردمی ها باید تبدیل بشود به صورت به یک جامعه توحیدی.

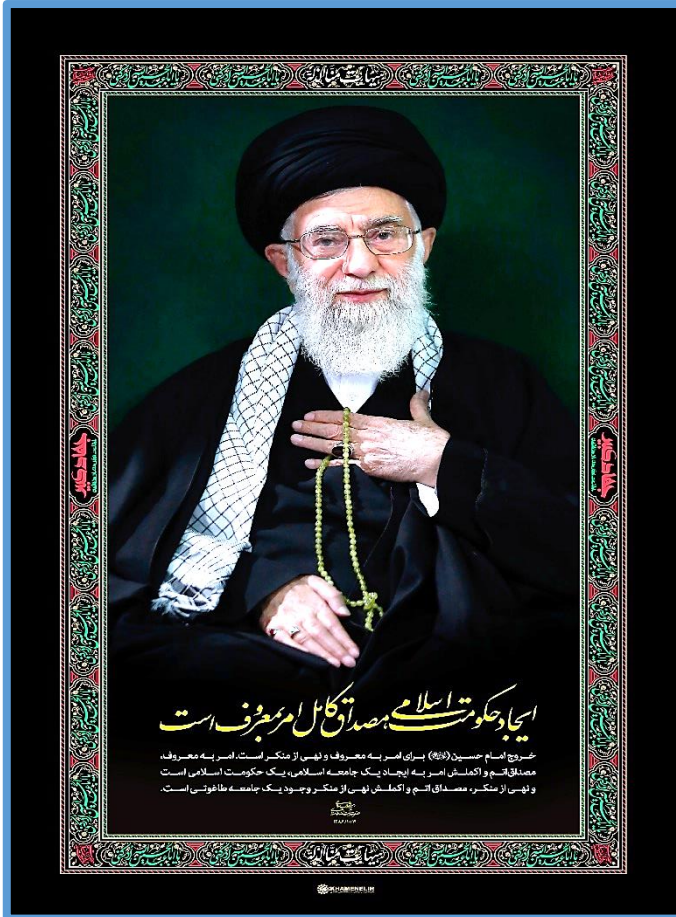
- نکته ی دوم این است که پیروان از چه راهی باید وارد بشوند؟ از کجاها باید شروع کنند تا بهتر و قاطع تر و نتیجه بخش تر از آن نقطه ای که انبیاء از آنجا شروع کردند؟

- متأسفانه مشاهده می شود روحانیون تبلیغی خیلی اوقات موضوعاتی را مطرح میکنند که اولویت ندارد . مثلاً راجع یک داستان فرعی و نه چندان ضروری امروز و شرایط امروز .

ما حتماً باید شرایط روز را برای تبلیغ را در نظر بگیریم.

شاید مهمترین نیاز این است بگوییم که پیامبر برای چه آمده است؟ پیشنهادش برای شکل اجتماع چه بوده است؟ درباره ی حکومت چه می گفت؟

تحلیلی از حرکت امام حسین علیه السلام در بیانات مقام معظم رهبری :



📷 پوستر | رهبرانقلاب: ایجاد حکومت اسلامی، مصداق کامل امر به معروف است.

📌 #جهاد_کبیر

📌 خروج امام حسین علیه السلام برای امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر، مصداق اتم و اکملش امر به ایجاد یک جامعه اسلامی، یک حکومت اسلامی است و نهی از منکر مصداق اتم و اکملش نهی از منکر وجود یک جامعه طاغوتی است.

شرح: امام حسین علیه السلام و ائمه اطهار دیگر در صورت پیروزی می خواستند حکومت تشکیل دهند و به معنای واقعی یک نظام سیاسی را ایجاد و حاکمیت را برقرار کنند تا از قَبَل آن دین را به اجرا بگذارند و با ایجاد نظام اجتماعی که جلوی آزادی معنوی را

نمی گیرد نفس های مستعد را به سیر الی الله ببرند تا هدف خلقت را تحقق دهند. با ایجاد نظام می خواستند از پیش زمینه حکومت برای این سیرالی الله مع الخلق استفاده کنند. - با حداکثری مردم و افراد جامعه و معنای اتم و اکمل لا اله الا الله - .

تحلیلی از حرکت ائمه‌ی اطهار در کتاب انسان ۲۵۰ ساله ؛ بیانات رهبری درباره زندگی سیاسی – مبارزاتی امام معصومین علیهم‌السلام :



تمام کارهای ائمه در طول این دوپست و پنجاه سال، کار یک انسان با یک هدف، با یک نیت و با تاکتیکهای مختلف است. چند هدف را اهداف اصولی خود قرار دادند ... ائمه (علیهم‌السلام) همه شان بمجرد اینکه بار امانت امامت را تحویل می‌گرفتند، یکی از کارهایی که شروع کردند، یک مبارزه‌ی سیاسی بود، یک تلاش سیاسی بود برای گرفتن حکومت. ائمه باز آنجائی هم که درباره‌ی خصوصیات امام حرف می‌زنند، باز یک عمل سیاسی دارند انجام می‌دهند. - از معارف نهج‌البلاغه گرفته تا دعای‌های صحیفه‌ی سجادیّه تا نصب شمشیر و زره در اتاق امام موسی کاظم علیه‌السلام - ائمه دو کار می‌کردند : یکی بیان ویژگی نماینده خدا در حکومت و دیگری بیان این مصداق در حال حاضر . اگر ائمه (علیهم‌السلام) غیر از این دو تا کاری که گفتم هیچ کار دیگر نداشتند، کافی بود که ما بگوئیم زندگی ائمه از اول تا به آخر یک زندگی سیاسی است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۳/۰۱/۱۳۶۴

اسلام سیاسی در نهج البلاغه و حدیثی از امام صادق علیه السلام

مردم مشتاقانه، نیازمندان، از علی می‌خواهند که به نیاز آنها پاسخ بگوید، امیرالمؤمنین برای حکومت یک شأن واقعی قایل نیست، حکومت برای علی یک هدف نیست همچنانی که در بحث بعدی باید روشن بشود، اما با این حال حکومت را می‌پذیرد به عنوان یک وظیفه، و می‌ایستد و از آن دفاع می‌کند. «فلو لا حضور الحاضر و قیام الحجۃ بوجود ناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم لالقیة حبلها علی غاربها و لسقیة آخرها بکأس اولها و لالفیتهم دنیاکم هذه ازهد عندی من عطفه عنز» (اگر حضور مردم نبود، اگر پیمانی که خدا از علما نگرفته بود ...) باز هم برای من حکومت ارزشی ندارد، باز هم حاضر نیستم برای به دست آوردن یک مقام، یک جاه از ارزشها بگذرم. باز هم حاضرم با همان جام نخستین این جمع را سیراب کنم، همچنانی که روز اول کنار نشستم باز هم کنار بنشینم. مؤکداً می‌گوید «دعونی والتسموا غیری» (خطبه ۹۲) مرا بگذارید به سراغ دیگران بروید، اما وقتی احساس می‌کند که وظیفه است، احساس می‌کند زمینه آماده است و او می‌تواند این نقش عظیم و اساسی را بر عهده بگیرد، آن وقت قبول می‌کند. **بیانات در اولین کنگره بین‌المللی نهج‌البلاغه ۲۹/۰۲/۱۳۶۰**

نفی طواغیت در حدیث

حدیث عمر بن حنظله (وسایل الشیعه باب قضاوت و صفات قاضی، ج ۱۸، ص ۹۸-۱۰۰)

عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دو نفر از ما که در مورد قرض یا ارث نزاع دارند نزد سلطان و قضات او می‌روند، آیا این عمل جایز است؟

حضرت فرمود: کسی که در موضوعی حق یا باطل نزد آنها برود تا درباره او قضاوت کنند به نزد طاغوت رفته است و آنچه را که او قضاوت کند و مالی را با قضاوت او بگیرد، اگر چه حق وی باشد، مال حرامی را گرفته است، زیرا آن مال را به حکم طاغوت گرفته است در صورتی که خداوند فرموده است: «می‌خواهند طاغوت را حاکم خود قرار دهند در صورتی که امر شدند که به او کفر ورزند.»

عرض کردم: پس این دو نفر چه کنند؟

امام علیه السلام فرمود: نگاه کنند به کسی از شما شیعیان که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر انداخته و احکام ما را می‌شناسد به حکمیت او راضی شوند که همانا من او را حاکم بر شما قرار دادم. اگر

حکم کرد و کسی از او قبول نکرد، حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است، و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده است و چنین کاری در حد شرک به خدای تعالی است.^۲

استدلال در گوش دادن به بیانات رهبری با استفاده از حدیث بالا :

- اگر ما پذیرفتیم که ولی فقیه نماینده ی امام معصوم است پس حرف او ، حرف امام است. پس اگر ما می‌گوییم ای امام‌زمان‌علیه‌السلام تشریف بیار تا ما به حرف تو گوش دهیم و بعد به بیانات رهبری گوش ندهیم ؛ امام زمان علیه السلام تشریف می‌آورند و می‌فرماید : ما داشتیم حرف می‌زدیم شما گوش نمی‌دادید، مگر ما نگفتیم این فرد با این ویژگی نماینده‌ی ما است .

✓ ❖ حدیث : الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ؛ الْكَافِي، ثَقَّةُ الْإِسْلَامِ كَلِينِي ج ۱ ص ۲۶

❖ ❖ بصیرت عامل شناخت اوضاع زمانه

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا و لايحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». (خطبه ۱۷۳) میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست می‌زند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین می‌خواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم -در جنگ جمل و صفین و نهروان- می‌خواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به

۲- (توضیحی از حضرت امام خمینی: امام خمینی در کتاب ولایت فقیه : در آیه‌ای که در این حدیث آمده امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: قال الله تعالى: «يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت و قد امروا ان يكفروا به (سوره ی نساء آیه ی ۶۰) پس وقتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید : قد جعلته عليكم حاكماً، فاذا حكم بحكمننا فلم يقبل منه فانما استخف بحكم الله ، در ذهن امام هم حاکم به معنی حاکم است نه اینکه بعضی می‌گویند قاضی. (مقاله‌ی آقای خسروپناه)

- توضیحی دیگر : استدلال دوم: امام‌علیه‌السلام مردم را از مراجعه به طاغوت و قضاوت او نهی کرده است. اگر تنها از مراجعه به قضاوت طاغوت نهی می‌کرد، فقیه معرفی شده امام‌علیه‌السلام تنها مراجعات قضایی داشت، اما از آنجایی که از طاغوت هم که حاکم آنها می‌باشد، نهی فرمود، بنابراین فقیه‌ی که جایگزین او می‌شود طبعاً باید از سمت حاکمیت که همان حکومت و زعامت جامعه است برخوردار باشد تا وظایف مربوط به او بر زمین نماند.

- امام صادق علیه‌السلام در حدیث فرد خاصی را معرفی نکرده است بلکه ویژگی‌های عامی فرموده‌اند.

شما می‌گویید: آقا! این طرفِ مقابل، باطل است. شما می‌گوئید: آ، با این نماز، با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی می‌خواند: «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ أَعَانَةُ اللَّيْلِ» (سوره مبارکه ی زمر/آیه ی ۹) - آیه ی قرآن را نصفه شب دارد می‌خواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده‌ای - یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی می‌خواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت می‌رود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت می‌روم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک می‌خواند اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) می‌ایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد. ۵/۱۳۸۸/۰۵/۰۵ بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر

سخن آخر درباره ی آیا سیاسی باشیم :

📌 # دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران با رهبر انقلاب ۳۱/۰۵/۱۳۹۵

ایشان با انتقاد از دیدگاهی که پیشنمازی مساجد را فقط در خواندن نماز خلاصه می‌کند، افزودند: این نگاه جفاآمیز در واقع همان نگاه سکولار است که دین را در عمل شخصی منحصر می‌کند و از ورود به مسائل اجتماعی - سیاسی باز می‌دارد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در همین زمینه خاطرنشان کردند: «اسلام سکولار و محصور در عبادات - چه فردی و چه دسته‌جمعی - حتی اگر طرفداران فراوانی داشته باشد، مورد خصومت سلطه‌گران نیست.

📌 # لزوم بیان تحلیل سیاسی در کنار اخلاق و معنویت

[در تبلیغ] باید درس اخلاق بگویید، درس اخلاق سیاسی هم بگویید، درس اخلاق و معنویت هم بگویید، تحلیل سیاسی هم بدهید، دشمن درونی را هم - که نفس اماره یا شیطان رجیم است - معرفی کنید، دشمن اجتماعی را هم - که شیطان بزرگ یا شیطانهای گوناگونند - معرفی کنید، ایادی و اذنان شیطان را هم

معرفی کنید. وقتی معنای عبودیت الهی این شد که انسان از «انداداً...» (سوره مبارکه البقره آیه ۲۲) اجتناب کند و تبری جوید، باید از همه‌ی آشکال آن تبری جوید. «انداداً...»، یک وقت نفس پلید انسانی است که درون اوست؛ «نفسک التی بین جنبیک» (عوالی اللغالی، ابن ابی‌جمهور احسائی ج ۴ ص ۱۱۸ ح ۱۸۷). یک وقت شیطان است که در دعای صحیفه‌ی سجّادیه می‌گوید که «او را در وجود من مستقر کردی و به چیزی که مرا از آن متمکن نکردی، تمکن بخشیدی.» یک وقت هم شیطانهای قدرتمند عرصه‌ی سیاسی‌اند که برای اغوا و راهزنی و تسلط و ضربه زدن و به جهنم کشاندن ملتها و شعوب بشری منتظر نشسته‌اند. «انداداً...» اینهايند. دعوت به عبودیت، نفی اینها را می‌طلبد؛ چاره‌ای ندارید. ما توصیه نمی‌کنیم که منبرها و سخنرانیها را به جنبه‌های فردی و شخصی منحصر کنید؛ نه. ممکن است یک سخنرانی، یک منبر، یک سلسله منبر، منحصر به این معانی باشد - مانعی ندارد - اما در کنار آن بایستی صحنه‌ی زندگی اجتماعی - سیاسی انسان هم میدان عبودیت الهی باشد. آن جا هم بایستی طواغیت ازاله و زدوده شوند و افشا گردند. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۰۳/۱۰/۱۳۷۶

حال چگونه باید تحلیل سیاسی داشت و چگونه اقدام کرد؟

📌 # روش کلی برای کسب تحلیل سیاسی و اطلاع از اخبار :

با شناخت اصول اسلامی و اصول غرب و بررسی اخبار چند سایت یا کانال معتبر و گوش دادن بیانات رهبری می‌توانید بفهمید در چه مورد و چه موضعی باید اقدام کنید. هر چقدر سطح شناخت شما از اسلام در زمینه های تاریخی، اعتقادی، بیانات رهبری و سیاسی زیادتر باشد اینکه شما موضع مناسب تری را اتخاذ کنید محتمل تر است. با یک نفر که به نظرتان در عالم سیاسی - اجتماعی دارای تحلیل خوب و منطقی است به عنوان راهنمایی مشورت بگیرید. اخبار چند سایتی که خودتان به عنوان تحلیل سیاسی قبول دارید یا به شما معرفی شده است را بررسی کنید. مسائل را اصلی و فرعی کنید و خودتان را به هر مسأله ای مشغول نکنید.

کتاب‌های خوب برای مطالعه (در صورت نیاز به خلاصه‌ی پی‌دی‌اف این کتب به وبلاگ

khatfarhangi.mihanblog.ir بخش سیر مطالعاتی سر بزنید.)

- ۶ کتاب سلسله کتب مبانی اندیشه‌ی اسلامی موسسه‌ی امام خمینی

- ایسم شناسی

- غرب شناسی سید احمد رهنمایی، موسسه‌ی امام خمینی

- کتاب‌های تاریخ صدر اسلام و تاریخ معاصر

- کتاب بازگشت از نیمه‌ی راه و چهل تدبیر و جریان شناسی علی دارابی

- جریان‌شناسی تشیع انگلیسی

- توصیه می‌شود حتما یکبار کتاب روش تحلیل سیاسی را بخوانید.

- بررسی شبهات معروف دینی و سیاسی

📌 # روش اقدام و روشنگری :

۱- سعی کنید حتما منطقی بتوانید تبیین کنید . ابتدا شاید خوب باشد تحلیل خود را یادداشت کنید و چند بار بخوانید و یکبار در مقام منتقد به حرفهای خود اشکال بگیرید. نوشتن روی کاغذ خود عاملی است که روی برگه‌ی یادداشت‌های خود تسلط بیشتری داشته باشید و با یک دید چندین موضوع یا چند برگه را روی یک میز ببینید . اصولاً دید روی صفحه‌ی لب تاپ‌ها محدود تر اند .

۲- جایی که حرف فردی مخالف صریح قرآن است اگر منطق عقلی را فهمیدید خوب است از آن منطق عقلی نیز استفاده کنید ولی در هر جایی قرار نیست شما تبیین عقلانی کنید چرا که شاید نتوان در همه جا دلیل منطقی آیات را پیدا کرد .

۳- در پاسخ‌گوئی شاید نیاز باشد به جای بررسی تئوریک یک بحث نتایج عملی را بررسی کرد و یا با تاریخ جواب داد . شاید یک چیز از لحاظ عقلی آرمانی باشد ولی اصلاً امکان عملیاتی شدن نداشته باشد . مانند آرمان شهر افلاطون .

۴- تا می‌شود از اسم بردن پرهیز کنید شما کلی بگوئید خیلی‌ها متوجه می‌شوند ولی اگر نیاز شد صریح‌تر روشنگری کنید ولی از تهمت‌زدن و پیگردهای قضائی مواظب باشید. مفاهیم را بگوئید مردم خود مصداق‌ها را می‌شناسند ولی جایی مصداق جرمش وضوح دارد و شما میتوانید بگوئید.

۵- اگر بگوئید این نماینده اشتباه کرد چون اصول گراست این می‌شود سیاست زدگی . ولی اگر بگوئید این نماینده بنا به این دلایل منطقی اشتباه کرد این می‌شود سیاست .

۶- در وسط حرف مناظره کننده‌ی روبروی خود اصلاً حرف نزنید و اجازه دهید حرف خود را تا آخر بزند. گاهی خونسردی خود عامل پیروزی است .

۷- مرء را رها کنید.

مرء یعنی چی ؟ گاهی اوقات پیش می‌آید با کسی دارید بحث سیاسی می‌کنید متوجه می‌شوید فرد حق‌پذیر نیست یعنی مدام سخن که سند هم برای آن است را می‌گوید دروغ است و بی‌جهت انکار می‌کند. دو سه بار که با فرد صحبت کردید دیدید نپذیرد ادامه دادن این صحبت‌ها همیشه مرء . هر چند حق با تو باشد می‌شود دیگر نباید ادامه داد.

- یکی دو بار با طرف منطقی صحبت می‌کنی می‌بینی اون نه می‌پذیره و نه منطقی حرف هات رو رد می‌کنه و مدام لجاجت می‌کنه .



اگر به بی تفاوتی کشانده شویم، یعنی مرگ انقلاب.



کتاب
گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی
صفحه ۱۰۹

